

۲۲ رباعی در مجموعه برلین

دکتر محمود ندیمی هرندی

استادیار دانشگاه پیام نور

بنده در دوره کارشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان از محضر پُر بارِ شادروان استاد جمشید مظاهری استفاده و سالیانی را شاگردی کردم و از ایشان به اندازه کفایت اندک خویش فیض بردم. تأکید بر اهمیتِ نسخِ خطی و توجه به تصحیحِ متون از آموزه‌های اصلی استاد بود. در همین حوزه، مقاله‌ای کوتاه و اندک‌مایه به یادنامهٔ آن استاد فرزانه تقدیم می‌کنم.

مقدمه

کهنترین دست‌نویسِ فارسی محفوظ در کتابخانهٔ دولتی آلمان (برلین)، مجموعه‌ای است به شمارهٔ ms. orient. fol 99 که میکروفیلم آن به شمارهٔ ۴۶۳۶ در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.^۱ تاریخ کتابت این مجموعه آخر ربیع الاول ۵۴۳ق است به خط یحیی بن عمر بن الخطیب الجرمحورانی.^۲ این نسخه در قطع ۱۵/۵×۲۵ است، کُراسه‌شمار و برگ‌شمار دارد و دراصل، شامل ۲۵ کُراسهٔ ۱۲برگی (جمعاً ۳۰۰ برگ) بوده، اما متأسفانه ۲۵ برگ از مواضع مختلف

۱. این نسخه را ویلهلم پرچ (۱۸۳۲-۱۸۹۹م)، فهرست‌نویس و مستشرق آلمانی، نخستین بار در سال ۱۸۸۸ میلادی (= ۱۲۶۶-۱۲۶۷ خورشیدی) به‌اختصار در *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ برلین* معرفی کرد (ر.ک. (Pertsch, 1888: 143-144). هشتادوهفت سال پس از آن، یعنی در سال ۱۳۵۳ خورشیدی، استاد ایرج افشار در سفری به آلمان آن مجموعه را از نزدیک بررسی و یافته‌های خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «قصه‌ای و قصه‌هایی از نسخهٔ مورخ ۵۴۳ برلن» (یعماً، س ۲۷، ش ۳۱۳، مهر ۱۳۵۳، ص ۴۱۳-۴۰۶) منتشر کرد.
۲. نام کاتب در پایان نسخه (۲۷۴پ) به همین صورت است. نسبت «الجرمحورانی» به درستی معلوم نیست. استاد ایرج افشار آن را جرمخورانی (جرم= گرم+ خوران) شناسایی کرده‌است (ر.ک. افشار، ۱۳۵۳: ۴۰۶).

آن افتاده است. مجموعه شامل مطالب گوناگون است که استاد زنده یاد احمدعلی رجائی بخارائی بیشتر اجزای آن را تصحیح و تحت عنوان «منتخب رونق المجالس و بستان العارفين و تحفة المریدین» (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴) منتشر کرده است. بخشی از آن که منتشر نشده بود، ترکیب بندی از عبدالواسع جبلی (ف. ۵۵۵ق) است که اتفاقاً در دیوان او به تصحیح استاد ذبیح الله صفا (انتشارات دانشگاه تهران، ج اول، ۱۳۳۹؛ ج دوم، ۱۳۴۱) نیامده است و نگارنده پیش تر، آن را تصحیح و منتشر کرده است.^۱ علاوه بر این، در هامش بعضی از صفحات نسخه یادداشت‌هایی آمده است که در حدّ خود ارزش دارد. استاد رجائی بعضی از آن یادداشت‌ها را در انتهای کتاب آورده است (ص ۴۳۰-۴۴۳)، که گاهی صورت چاپی آن‌ها با روایت نسخه تفاوت‌هایی دارد. در میان آن یادداشت‌ها رباعیاتی دیده می‌شود که کاتبان نام خود را همراه با تاریخ کتابت نیز ثبت کرده‌اند. این رباعیات از نظر قدمت اهمّیت فراوان دارد؛ چنان که بعضی از آنها در زمان حیات گوینده‌شان در نیمه اول قرن هفتم کتابت شده است. در گفتار حاضر به نقل رباعیات این مجموعه می‌پردازیم.

الف) متن نسخه

در متن مجموعه برلین تنها یک رباعی آمده است. این رباعی در یکی از رساله‌های مندرج در آن مجموعه به نام «حکایات فی کرامات الاولیا و غیرهم» (۱۷۴پ-۱۷۵ر) دیده می‌شود:

(۱)

از خونِ دو دیده گردِ من جوی روان	من بیدل و گردِ شهر دلجوی روان ^۲
بر دو رخِ من دو رود از موی روان	دو رود که دید بر یکی موی روان؟!

ب) هامش نسخه

رباعیاتی را که در هامش این مجموعه آمده و در سال‌های مختلف و ظاهراً به دست مالکان نسخه کتابت شده‌اند، به ترتیب قافیه در اینجا می‌آوریم:

(۲)

پ ۱۰۲

گر می‌بروی به باغ، سیب آر مرا	همچون رخِ سرخ خویش سیب آر مرا
سی ^۳ بار بگفتمت که سیب آر مرا	ای وعده خلاف کرده سیب آر مرا ^۴

۱. مجله پاز، مهنرنامه استاد دکتر محمدجعفر یاحقی، دوره جدید، س ۶، ش ۴، پیاپی: ۲۸، زمستان ۱۳۹۶،

ص ۱۵۵-۱۶۲. ۲. اصل: دوان (!)

۳. اصل: سه (!) ۴. «هامش ۱۰۲پ»: «حَرَرَةُ اسماعیل بن داود المنجم المقوم [مُقَوِّم: تقویم‌نویس]



(۳)

۱۱۸ پ؛ ۱۶۰ ر (مکرر کتابت شده است)

سرّ سخن دوست نمی یارم گفت
ترسم که به خواب در بگویم به کسی^۱
دُرّی است گرانمایه نمی یارم سُفت
شبهاست که از بیم نمی یارم خُفت^۲

(۴)

۲۷۰ پ

روزی که بد [از نیک جدا خواهد کرد
تا در تن و جان عالمان^۳ عارف
سلطان اجل حکم قضا خواهد کرد
این جبه^۴ و دستار^۵ چهها خواهد کرد

۱. «هامش ۱۶۰ ر»: خسی

۲. استاد نفیسی این رباعی را به ابوسعید ابوالخیر (ف ۴۴۰ ق) نسبت داده است (ر.ک. نفیسی، ۱۳۷۶: ۲۲).

۳. اصل: جانی عالمانی (اشباع کسره، تحت تأثیر گویش)

۴. اصل: جوبه (اشباع ضمه، تحت تأثیر گویش)

۵. اصل: داستار (اشباع فتحه، تحت تأثیر گویش)

(۵)

۷۳پ؛ ۱۴۷پ؛ ۱۷۴پ (مکرر کتابت شده است)

تا دیده من طماع^۱ دیدار تو کرد رُخ زرد مرا غمان تیمار تو کرد
هر جانوری که قصد دیدار تو کرد جان و دل و دیده هر سه در آ کار تو کرد^۳

(۶)

۱۵۳پ

تا دلبر من ز مُشک با گل گله کرد گه گل ز کله، گه کله از گل گله کرد
دو گل چو دو رخ آمد و دو رخ چو دو گل زیر زرخش مشک سیه سلسله کرد^۴

(۷)

۱۳۳ر

تا زلف تو بر رُخ تو رقاصی کرد مانده نمرود مرا عاصی کرد
دریای دو دیده ام تهی گشت ز دُر از بس که در او هجر تو غواصی کرد

(۸)

۱۱۹پ

مستقبل عالم بتر از ماضی شد عاقل به خرابی جهان راضی شد
گوساله اگر خطیب گردد چه عجب؟! چون گاو رئیس گشت [و] خر قاضی شد^۵

(۹)

۲۷۰پ [در نعت پیامبر (ص)]

تا [ح-ا] و [د] و [و] میم [و] دال نامت کردند [د] عرش [و] فلک [و] کعبه مقامت کردند [د]
اکنون که به رهبری امامت کردند [د] سر تا سر آفاق غلامت کردند [د]^۶

۱. طماع: آزمند گردیدن، حریص گشتن؛ طماع چیزی کردن: به آن حریص شدن. شاهدهی برای آن در متون نظم و نثر یافت نشد.

۲. «هامش ۷۳پ»: بر

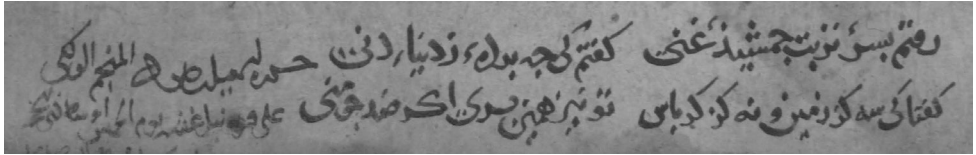
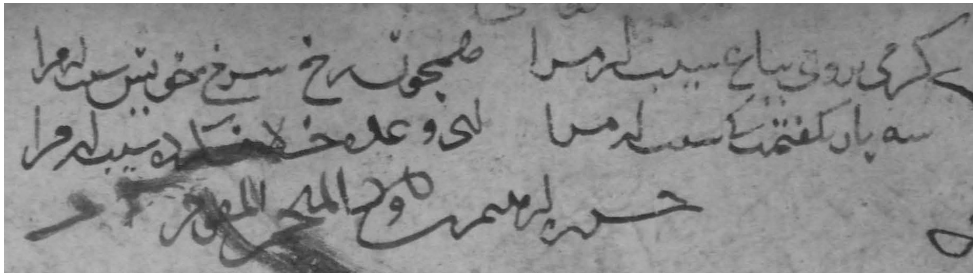
۳. «هامش ۷۳پ»: [کتابت] خیر محمد بن ایوب

۴. «هامش ۱۵۳پ»: [کتابت] اسماعیل بن داود المنجم الولکی المعروف

۵. «هامش ۱۱۹پ»: [کتابت] احمد بن داود الولکی

۶. این رباعی به بابا فضل کاشانی (ف ۶۶۶ یا ۶۶۷ یا ۷۰۷ق) منسوب است (ر.ک. بابا فضل، ۱۳۵۰: ۷۲؛ همو،

۱۳۶۶: ۷۵۰).



(۱۰)

پ ۱۷۹

گرچه ز میانت به ستوه است کمر زان گنبدِ سیمین به شکوه است کمر
مگشای کمر ز کوهِ سیمین صنما زیرا که خود افزایشِ کوه است کمر^۱

(۱۱)

پ ۲۲۹

تب^۲ را ز خدا عافیت خواسته^۳ گیر عمری که به درد طی شود کاسته^۴ گیر
این شخصِ ضعیف، سخت افتان خیزان یک^۵ بار دو بار نیز برخاسته^۶ گیر

۱. این رباعی در *نزهة المجالس* به نام ابوالفضل تبریزی آمده و در آنجا بیت دوم چنین است:

فی الجملة کمر ز کوهِ سیمین مگشا زیرا که خود آرایشِ کوه است کمر

(ر.ک. جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۴۱۳)؛ اما در *سفینه کهن رباعیات* (احتمالاً مکتوب در ربع دوم قرن هشتم) به صورت زیر و به نام «شمس گنجه» آمده است:

گرچه ز میانت به شکوه است کمر هر دم ز میانت به ستوه است کمر

زنهار کمر ز کوهِ سیمین مگشای زیرا که خود آرایشِ کوه است کمر

(ر.ک. *سفینه کهن رباعیات*، ۱۳۹۵: ۲۱۵)

۲. اصل: طب

۳. اصل: خاسته

۴. اصل: کاه سته (!)

۵. اصل: یکی

۶. «هامش ۲۲۹ پ»: [کتابت] به تاریخ ماه هجدهم [کذا] سنه احدى [و] ثلاثین و ستمائه.

(۱۲)

پ۱۷۴

من نام تو را به ساعدی^۱ بنگارم
چندان هوسِ عشقِ تو در سر دارم
تا دیده بدو برنهم و خون بارم
در هر چه نگه کنم تو را پندارم^۲

(۱۳)

پ۵۵

دلدار چو دید اشکِ گوهر ریزم
گفتمش: مرو، گفت که باران سخت است
ننشسته^۳ هنوز، گفت: برمی خیزم
زان پیش که سیل در رسد بگریزم^۴

(۱۴)

پ۲۱۰

تا کی دل و جان بسته تنجیم کنیم
چون دفعِ قضا نمی کند هیچ نجوم
تا^۵ کار جهان به زیج، تقویم کنیم
تن را به قضا چرانه تسلیم کنیم^۶

۱. ظ: ساعدم

۲. «هامش ۱۷۴ پ»: [کتابت] به خط داود بن شیرباریک ولکی فی تاریخ شهر مبارک اول رمضان سنه ست و ثلاثین و ستمائه.

بیت دوم این رباعی با اختلافاتی در رساله سوانح احمد غزالی (ف. ۵۲۰ق) و روح الارواح سمعانی (مکتوب در نیمه اول قرن ششم) و تفسیر کشف الاسرار میبیدی آمده است. (ر.ک. غزالی، ۱۳۵۹: ۴؛ سمعانی، ۱۳۸۹: ۲؛ میبیدی، ۱۳۸۹: ۱/۳۵۱ و ۷/۵۶)

۳. اصل: نشسته (!)

۴. این رباعی در رساله «خلاصة الاشعار فی الرباعیات» سفینه تبریز به صورت ذیل آمده است:

دلدار چو دید اشکِ گوهر ریزم
ننشسته هنوز، گفت: برمی خیزم

گفتم که چه شد؟ گفت که باران سخت است
زان پیش که سیل در رسد بگریزم

(ر.ک. ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۴: ۹۱) همچنین در سفینه ای دیگر به صورت ذیل آمده است:

آمد چو بدید چشمِ گوهر ریزم
ننشسته هنوز، گفت: برمی خیزم

گفتم که چه بود؟ گفت: باران سخت است
زان پیش که سیل در رسد بگریزم

(ر.ک. سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

۵. این کلمه در اصل بدون نقطه است. «یا» هم می توان خواند.

۶. «هامش ۴۱۰ پ»: [کتابت] اسماعیل بن داود ولکی

(۱۵)

۱۷۹ر

ای در نظرت شمس [و] قمر سرگردان
گر جان [و] دلم به خدمتت^۱ قلب آمد
این یک ورقِ خطا ز ما درگذران
داری نظری چو کیمیا، زر گردان

(۱۶)

۲۳۵پ

می‌رفت ز پیشم آن سهی سروِ روان
می‌ریخت به هر طرف ز رخ گنجِ روان
هیئات که بسته گشته آمد بی یار
چون آبِ روان، روان‌روان، رفت روان^۲

(۱۷)

۱۸۱ر

ای دل قدح گناه را نوش مکن
شیرِ اجل آهنگِ کمین می‌دارد
کردارِ بدِ خویش فراموش مکن
در بیشهٔ شیر، خوابِ خرگوش مکن^۳

(۱۸)

۲۰۵پ

دنیی چه کنم؟ نعمتِ دنیی همه تو
هر چند که من گویم معنی همه تو
جناتِ نعیم و شاخِ طوبی همه تو
عاجز گشتم ز وصفِ تو ای^۴ همه تو^۵

۱. اصل: بخدمت

۲. «هامش ۲۳۵پ»: رباعی از گفتهٔ ملک‌الشعرا [دزاقی (حرف ماقبلِ آخر نقطه ندارد)؛ ضمناً همهٔ این رباعی بدون نقطه کتابت شده‌است.

۳. «هامش ۱۸۱ر»: [کتابت به] خط اسحاق فلاح؛ این رباعی به باباافضل منسوب است به صورت ذیل:

ای دل قدحِ بیخبری نوش مکن
شیرِ اجل است در کمین، واقف باش
افعالِ بدِ خویش فراموش مکن
در بیشهٔ شیر خوابِ خرگوش مکن

(ر.ک. باباافضل، ۱۳۵۰: ۱۵۶)

۴. اصل: + «کی»

۵. قابل توجه که «ای» را «ای» به کار برده‌است.

۶. «هامش ۲۰۵پ»: [کتابت] به خط داود بن شیرباریک به تاریخ اول اسفندارمذ ماه سنهٔ احدای و ثلاثین و ستمائه.

(۱۹)

پ ۱۸۰

ماییم به مهر تو تولا کرده وز طاعت [و] معصیت تبرّا کرده
 آنجا که تو را لطف [و] عنایت باشد ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده^۱

(۲۰)

ر ۱۳۳

ای عمر به سر برده به بی‌فرمانی تو قیمتِ عمرِ خویش فردا دانی
 فردا که به زیرِ خاک اندرمانی خواهی که دمی بر آوری نتوانی

(۲۱)

پ ۲۶

رفتم به سر تربت جمشید غنی گفتم که چه برده‌ای ز دنیای دنی؟
 گفتا که سه گز زمین و نه گز کرباس تو نیز همین بری اگر صد چو منی^۲

(۲۲)

ر ۱۷۹

از گردش این سپهر چون دریایی پرسودا گشت طبع هر دانایی
 روشنتر از آفتاب باید رای تا بشناسد علاج هر سودایی

۱. این رباعی به اوحدالدین کرمانی منسوب است به صورت ذیل:

ماییم به عشق تو تولا کرده وز طاعت و معصیت تبرّا کرده

آن را که عنایت تو باشد، باشد ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

(ر.ک. اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۱۲۹؛ میرافضلی، ۱۳۹۴: ۳۸۷) در *طریخانه* نیز آمده است (ر.ک. یاراحمد رشیدی، ۱۳۶۷: ۲۵۷).

۲. «هامش ۲۶ پ»: حَزْرَةُ اسْمَاعِيلِ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْجَمِ الْوَلَكِيِّ عَلِيَّ قَرَهَ (بدون نقطه) نبل غشمة (؟) یوم الخمیس اوسط ذی الحجّه سنه ثلاث و ثمانین و ستمائه؛ ضمناً این رباعی به باباافضل کاشانی منسوب است به صورت ذیل:

رفتم به سر تربت محمود غنی گفتم که: چه برده‌ای ز دنیای دنی؟

گفتا که: دو گز زمین و ده گز کرباس تو نیز همین بری اگر صد چو منی

(ر.ک. باباافضل، ۱۳۵۰: ۲۰۸؛ همو، ۱۳۶۶: ۷۷۲) این رباعی در زمان حیات گوینده یا اندکی پس از درگذشت او کتابت شده است.

منابع

- ابوالمجد تبریزی، محمد بن مسعود (۱۳۸۴). «خلاصة الاشعار فی الرباعیات»، به تصحیح سیدمحمد عمادی حائری، گنجینه بهارستان، ادبیات فارسی (۲)، به کوشش بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۱۶۹-۲۷.
- افشار، ایرج (۱۳۵۳). «قصه‌های و قصه‌هایی از نسخه موزخ ۵۴۳ برلن»، یغما، س ۲۷، ش ۳۱۳، مهر، ص ۴۰۶-۴۱۳.
- اوحالدین کرمانی (۱۳۶۶). دیوان رباعیات، به کوشش احمد ابومحبوب، با مقدمه‌ای از محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- باباافضل، افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی (۱۳۵۰). دیوان، بررسی، مقابله و تصحیح از مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهنیا، علی شریف، کاشان: اداره فرهنگ و هنر کاشان.
- _____ (۱۳۶۶). مَصْنُفات، به تصحیح مجتبی مینوی-یحیی مهدوی، چ دوم، تهران: خوارزمی.
- جمال خلیل شروانی (۱۳۷۵). نزهة المجالس، چ دوم، تهران: علمی.
- رجائی [بخارائی]، احمدعلی (۱۳۵۴). مَنَّحَب رَوْنُقِ الْمَجَالِسِ وَ بُسْتَانِ الْعَارِفِينَ وَ نُحْفَةِ الْمُرِيدِينَ، تهران: دانشگاه تهران.
- سفینه کهن رباعیات (۱۳۹۵). تصحیح و تحقیق: ارحام مرادی، محمد افشین‌وفایی، تهران: سخن.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن منصور (۱۳۸۹). رَوْحُ الْأَرْوَاحِ فِي شَرْحِ أَسْمَاءِ مَلِكِ الْفَتَّاحِ، به تصحیح نجیب مایل هروی، چ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزالی، احمد (۱۳۵۹). سوانح، بر اساس تصحیح هلموت ریتز، با تصحیحات جدید و مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۹). كَشْفُ الْأَسْرَارِ وَ عُدَّةُ الْأَبْرَارِ، به تصحیح علی اصغر حکمت، چ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۹۴). جنگ رباعی، تهران: سخن.
- نفیسی، سعید (۱۳۷۶). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، چ ششم، تهران: کتابخانه سنائی.
- یاراحمد بن حسین رشیدی تبریزی (۱۳۶۷). طریخانه، به تصحیح جلال‌الدین همایی، چ دوم، تهران: هما.